

بررسی الگوی رفتار ارتباطی مسلمانان با دیدگاه‌های متفاوت Communication behavior skills of Muslims with non-Muslims

Heydar Amirpour

Sayed Mohammad Hosseini

Sayed Mohammad Mahdi Hakim

Sayed Manzar Hakim

Ali Shalbaf

Ali Reza Azhdar

حیدر امیریور *

سیدمحمد حسینی **

سیدمحمد مهدی حکیم ***

سیدمنذر حکیم ****

علی شالباف *****

علیرضا ازدر *

Abstract

The principle of efinitiveness is a true and fair communication skill and behavior pattern within every field of human interaction such as economic, political, social and etc. It is based on four principal factors including honesty, frankness, mutual respect and having win-win situation in relationships as well as avoiding dominance and subordination. The study of verses and Sunnah clarifies that having good and amicable behavior with non-muslims in community life and coexistence based on tolerance was an obligatory communication behavior of muslims with non-muslims. Tolerance means admission and endurance of adverse ideas in other religions which are unacceptable in our view. The Islamic Tolerance is accompanied with pure respect, magnanimity and religious liberty. Establishing universal peace, avoiding to treat non-muslims as second class citizen and achieving the genuine truth are the most important theoretical principles of tolerance in Islam. This study using an analytic-descriptive and psychological method investigates tolerance and its theoretical foundations with an approach towards communication behavior skills.

Keywords: tolerance, charity and communication behavior skill

چکیده

برقراری تعامل مبتنی بر اصل قاطعیت از الگوی رفتار ارتباطی سالم و پایدار در همه حوزه‌های تعاملات بین فردی است. مولفه‌های بنیادی این نوع الگوی رفتاری عبارتند از صداقت، صراحت، احترام متقابل و داشتن نگرش برد-برد به روابط، و نیز پرهیز از اصل سلطه‌گری و سلطه‌پذیری. عطف توجه به این مولفه‌ها در تنظیم رفتار ارتباطی با دیگران بر مبنای تسامح که از دیدگاه اسلام به مفهوم قبول و تحمل دیدگاه‌های متفاوت و دیگر ادیانی است که از نظر ما باطل است نه مجامله و مجادله یا اندیشه‌های مخالف، اجتناب‌ناپذیر است. بر اساس تسامح، تخلق به اخلاق نیکو و داشتن رفتار مسالمت‌آمیز با دیدگاه‌های متفاوت در زندگی دسته‌جمعی از وظایف رفتار ارتباطی الزام‌آور مسلمانان با آنان می‌باشد، مشروط بر این که این الگوی رفتار ارتباطی با احترام اصیل، کرامت ذاتی انسان و به رسمیت شناختن آنان همراه باشد. این نوشتار با مطالعه تحلیلی-توصیفی و با رهیافت روانشناختی، تسامح و مبنای نظری آن را با رویکرد به مهارت‌های رفتار ارتباطی به ویژه در عرصه سیاست خارجی که در تشریح اصول ۱۳ و ۱۴ قانون اساسی و همچنین بند ج اصل ۲، بند ۱۶ اصل ۳، اصول ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۵۴ آمده و راه‌گشاست، بررسی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: تسامح، احسان، صفح، الگوی رفتار ارتباطی

email: dr.amirpour@yahoo.com

* عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

** عضو هیات علمی دانشگاه تهران

*** دانشجوی کارشناسی ارشد دارالاحکمه، کانادا

**** استاد حوزه و دانشگاه

Received: 28 Feb 2013

Accepted : 2 Feb 2014

پذیرش: ۹۲/۱۱/۱۳

دریافت: ۹۱/۱۲/۱۰

مقدمه

خداوند انبیاء را برای هدایت انسان‌ها فرستاده و هر یک از آنان را متناسب با بسترهای زمان و مکان و درک انسان نسبت به تعالیم الهی، به مقرراتی در قالب دین تجهیز نمود تا عدالت اجتماعی و نظم عمومی در زندگی فردی و اجتماعی بشر استقرار یابد و بدین وسیله، سعادت دنیوی و اخروی آنان تضمین گردد. از این‌رو، قوانین وحیانی نسبت به هر برهه زمانی خالی از هر گونه عیب و نقص بوده است، هرچند هدف همه انبیاء اساساً بر محوریت دو چیز قرار می‌گرفت:

۱- دعوت به توحید:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ» و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر این‌که به او وحی کردیم که معبودی جز من نیست؛ پس تنها مرا پرستش کنید (انبیاء/۲۵).

۲- مبارزه با شرک:

«بِرَاءةٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (اعلام) بیزاری از سوی خدا و پیامبر او، به کسانی از مشرکان است که با آنان عهد بسته‌اید! (توبه/۱).

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...» ما در هر امتی، رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!... (نحل/۳۶).

خداوند پیامبران را بترتیب ارسال نمود تا بالاخره بستر برای ظهور دین جهانی به پیامبری خاتم الانبیاء مهیا شد: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» محمد (ص) پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است! (احزاب/۴۰).

بنابراین، این توقع طبیعی است که فرستادن پیامبران متعدد با هدف واحد، باید به تشکیل امت واحد جهانی در پرتو دین واحد جهانی بینجامد هرچند بسیاری از دینداران و دانشمندان شرایع با تعصب و از روی جهل و یا عناد به پیامبرستیزی برخاسته، و با تحریف کتب آسمانی توانستند افراد عامی را فریب داده و آنان را در دین سابق ثابت قدم کنند، به طوری که هر کسی دین خود را آخرین شریعت‌آفرینی از سوی خدا بیندارد، و در نتیجه امتناع آنان از پذیرش دین بعدی سبب شد تا دین به شعبه‌های گوناگون تقسیم شود: «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» آیا انتظار دارید به شما ایمان بیاورند، با این‌که عده‌ای از آنان، سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند، در حالی که نسبت به واقعیت آگاه بودند؟! (بقره/۷۵).

از طرفی انقلاب در فن‌آوری، مرزهای جغرافیایی را در هم شکست و توسعه ارتباطات در فضاهای مجازی بر همه ابعاد زندگی فردی، شغلی و اجتماعی بشر سایه افکند (ملکات، ۱۳۸۸، ص ۴۱)، و جهان را به یک دهکده تبدیل نمود. فرآیند جهانی شدن حتی حوزه فرهنگ و ادیان را نیز دربرگرفت و ضرورت زندگی جمعی مسالمت‌آمیز را اقتضاء نمود تا برخورداری از آزادی اراده و عمل در کنار همزیستی موجب تنش میان پیروان مذاهب و تعارض بین فرهنگ‌ها و ادیان نشود. از دیگر سوی، برخی از دین‌پژوهان و سیاست‌مداران غیر اسلامی نیز در طول تاریخ، همواره در تلاش بوده و هستند تا سلطه‌طلبی و خشونت‌گرایی را به‌عنوان الگوی رفتار ارتباطی مسلمانان با دیدگاه‌های متفاوت جلوه دهند. سوال این نوشتار این است که پیامبر اسلام (ص)،

بررسی الگوی رفتار ارتباطی مسلمانان با دیدگاه‌های متفاوت

چه نوع تعامل و مواجهه‌ای با دیدگاه‌های مخالف و متفاوت داشته است؟. در جامعه‌ای که عقاید متعدد مثل مشرکین، یهودیان، مسیحیان و غیره در کنار هم زندگی می‌کنند و از طرفی رسالت پیامبر اسلام نیز جهان شمول و فراگیر است، آیا دین اسلام، رسالت و خواسته خود را به دیگران تحمیل نموده است؟. اساساً دین اسلام چه نوع الگوی رفتار ارتباطی را در تعامل با دیدگاه‌های متفاوت به جامعه اسلامی توصیه می‌کند؟.

گره‌گشایی از این مساله، مستلزم پژوهش نظام‌مند در خصوص جایگاه تسامح^۱ در اسلام است. چه نیل به آن در تشریح اصول ۱۳ و ۱۴^۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز بند ج اصل ۲؛ بند ۱۶ اصل ۳؛ اصول ۱۵۲^۳ و ۱۵۳^۴ و ۱۵۴ همان قانون که بر مبنای قاعده نفی سبیل استوار شده است، راهگشاست.

۱ tolerance

^۱ تسامح در اسلام به طور کلی دو بعد متفاوت از هم دارد: یک بعد آن ناظر به خود مسلمانان و کسانی است که از دیگر شریعت‌ها به دین اسلام تغییر عقیده می‌دهند. بعد دیگر آن، به مواجهه‌ی اسلام با عقاید مخالف و متفاوت، و میزان توجه اسلام به حقوق شهروندی معطوف است. در قسم اول سوال این است که اسلام با پیروان خودش در تشریح احکام موضع آسان‌گیرانه‌ای داشته است یا سخت‌گیرانه؟ اما در قسم دوم، سوال از آزادی عقیده و عمل و پای‌بندی هر فردی به تعالیم و قوانین خود در پرتو فضایی به دور از اجبار و تحمیل است.

^۲ در اصل سیزدهم آمده است: "ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند".

^۳ اصل چهاردهم بیان می‌دارد: "به حکم آیه شریفه «لاینهاکم الله عن‌الدین لم یقاتلکم فی‌الدین و لم یخرجکم من ديارکم ان تبوههم و تسفلوا الیهم ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطیه و اقدام نکنند".

^۴ اصل دوم قانون اساسی مقرر داشته: "جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

و حی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

عدل خدا در خلقت و تشریح.

امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسیولیت او در برابر خدا، که از راه:

اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین،

استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها،

نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کنشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند".

^۶ اصل سوم مقرر می‌دارد: "دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ...

تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان".

^۷ در اصل یکصد و پنجاه و دوم آمده است: "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است".

^۸ اصل یکصد و پنجاه و سوم مقرر می‌دارد: "هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شیون کشور گردد ممنوع است".

^۹ در اصل یکصد و پنجاه و چهارم این چنین آمده است: "جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنا بر این در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند".

این نوشتار با مطالعه توصیفی- تحلیلی و با رهیافت روانشناختی، تسامح و مبنای شرعی و نظری آن را در معنای پذیرش دیدگاه‌های متفاوت با رویکرد به مهارت‌های رفتار ارتباطی در حوزه معرفتی روانشناسی بررسی می‌کند.

ضرورت و اهمیت تحقیق

تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز توأم با احترام به عقاید و مقررات یکدیگر (علامه جعفری، ۱۴۱۹، ص ۸۱) و الگو- سازی سبک ارتباطی مناسب برای رفع تعارض ادیان در گرو میزان عطف توجه ادیان به اصل تسامح است. **شیوه جمع‌آوری اطلاعات.** روش تحقیق در این نوشتار، روش کتابخانه‌ای است. پژوهش‌گران، گردآوری اطلاعات را از طریق فیش‌برداری از کتب و مقالات انجام و پس از دسته‌بندی و پردازش آن‌ها، جهت دستیابی به نتیجه‌ی مطلوب، اطلاعات جمع‌آوری شده را مورد تحلیل و تجزیه قرار داده‌اند.

سؤالات پژوهش

– آیا در دین اسلام به الگوی رفتار ارتباطی مسلمانان با دیدگاه‌های متفاوت بر مبنای اصل تسامح توجهی شده است؟

– مهارت سبک ارتباطی سالم و پایدار در روابط بین فردی از منظر معرفتی روانشناسی کدام اصل است؟

روش

برخی از موضوعات مورد نظر برای پژوهش، به ویژه موضوعاتی که کیفی هستند، به دلیل ماهیت موضوع، نحوه گردآوری داده‌ها، و شرایط متغیرهای مورد مطالعه، نمی‌توان با روش‌های معمول تحقیق آزمایشی، همبستگی و ... مورد بررسی قرار داد. لذا گردآوری و تحلیل داده‌ها به عنوان روش مناسب برای تحقیق حاضر انتخاب گردید. در پژوهش حاضر، محقق با توجه به ماهیت موضوع، قصد خود را فقط با طرح سؤالات پژوهشی بیان کرده است.

مفهوم تسامح

تسامح از ریشه «سمح» در لغت به معنی بخشش، سازش و مدارا است. المسامحه: المساهله و تسامحوا: تساهلوا. عبارت «السَّمَّاحُ رَبَّاحٌ» به معنای آسان‌گیری در اشیاء است که صاحبش از آن سودمند شود (ابن منظور، ۱۹۸۳، ص ۴۸۹). در رابطه با مفهوم اصطلاحی تسامح دو دیدگاه میان صاحب‌نظران وجود دارد: برخی اندیشمندان تسامح را به تحمل و پذیرش دیدگاه‌های متفاوتی که از نظر ما باطل‌اند (المودودی، ۲۰۰۶، ص ۴۰)، یا حرکتی جهت‌دار و در عین حال ملایم در مواجهه با جهت‌های مغایر (باقری، ۱۳۸۸، ص ۱۲) تعریف نموده‌اند. عده‌ای دیگر نیز تسامح را به تصدیق عقاید باطل تعریف کرده‌اند (هرش، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵). به نظر می‌رسد رویکرد اول نسبت به مفهوم تسامح صحیح بوده، اما دیدگاه دوم به دلایل مختلف در اسلام مردود است:

۱) علاوه بر این که تسامح به رفتاری اطلاق می‌گردد که مسالمت‌آمیز باشد، آیات مربوط به صفح و احسان نیز به صراحت نشان می‌دهند که داشتن رفتار توأم با احسان و صفح در برخورد با عقاید باطل و متفاوت نوعی لطف و امتنان به حساب می‌آید و این گونه نگرش به تسامح با تصدیق دیدگاه‌های متفاوت سازگاری ندارد.

۲) برخی از آیات فقط شریعت رسول اکرم (ص) را حقیقت دانسته و دین یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان را باطل می‌پندارند:

- «الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ» کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند، خداوند اعمالشان را نابود می‌کند! (محمد/۱)
- «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ» و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به آن چه بر محمد (ص) نازل شده که همه آن‌ها از سوی پروردگارشان حق است، نیز ایمان آوردند، خداوند گناهان‌شان را می‌بخشد و کارشان را اصلاح می‌کند! (محمد/۲)
- «ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ» این بخاطر آن است که کافران از باطل پیروی کردند و مؤمنان از حقی که از سوی پروردگارشان بود تبعیت نمودند؛ این‌گونه خداوند برای مردم مثل‌های (زندگی) آنان را بیان می‌کند! (محمد/۳)
- «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمُوا فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» اگر با تو، به گفتگو و ستیز برخیزند، بگو: من و پیروانم، در برابر خداوند و فرمان او، تسلیم شده‌ایم و به آنان که اهل کتابی سوادان هستند، بگو: آیا شما هم تسلیم شده‌اید؟ اگر در برابر فرمان و منطق حق، تسلیم شوند، هدایت می‌یابند و اگر سرپیچی کنند، نگران مباش! زیرا وظیفه تو، تنها ابلاغ است و خدا نسبت به اعمال و عقاید بندگان، بیناست. (آل عمران/۲۰)
- «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» دین در نزد خدا، اسلام و تسلیم بودن در برابر حق است و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی در آن ایجاد نکردند مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به‌خاطر ظلم و ستم در میان خود و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، خداوند، سریع الحساب است. (آل عمران/۱۹)
- ۳) تقابل دین اسلام با دیگر شریعت‌ها تقابل از نوع نقضین است. همان‌گونه که یک شی نمی‌تواند بحکم «النقضان لایجتمعان و لایرتفعان»، در آن واحد سیاه، سفید، زرد و قرمز باشد، همه ادیان نیز نمی‌توانند در آن واحد، حقیقت داشته باشند زیرا اگر همه ادیان حقیقت داشته باشند، دعوت مسلمانان به صفح و احسان در برابر اهل کتاب و اتخاذ رفتار ارتباطی مسالمت‌آمیز در مواجهه‌ی با آنان، لغو و عبث خواهد بود و این مؤیدی است بر این که، فقط دین اسلام ذوی الحق است. بنابراین، تسامح در آموزه‌های اسلامی یعنی تحمل دیدگاه‌های متفاوت و مخالف و پیروان دیگر مذاهبی که از نظر مسلمانان باطل است، نه تصدیق عقاید آنان. ممکن است این سوال مطرح شود که مگر رسول خدا (ص) پیام‌آور دینی است که با همه ادیان الهی مخالف و مغایر است و در نتیجه همه ادیان جز دین اسلام باطل است؟ پاسخ منفی است و نویسندگان چنین ادعایی ندارند، زیرا پیامبر اکرم (ص)، دین جدیدی را که همه ادیان قبلی را باطل تلقی کند، نیاورده است و بلکه برعکس تصدیق کننده همه ادیان الهی است و بر خورداری از اصل حق آزادی این نکته را نیز تأیید می‌نماید (جونز، ۱۳۸۷، ص ۲۰):
- «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» بگوئید: ما به خدا ایمان آورده‌ایم و به آن چه بر ما نازل شده‌ است آن چه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردید، و

هم‌چنین آن‌چه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر از طرف پروردگار داده شده است و در میان هیچ یک از آنان جدایی قائل نمی‌شویم، و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم.» (بقره/۱۳۶)

– «قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرَىٰ مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَيْعُ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ»^۱

بگو: من پیامبر نوظهوری نیستم و نمی‌دانم با من و شما چه خواهد شد. من تنها از آن‌چه بر من وحی می‌شود، پیروی می‌کنم، و جز بیم‌دهنده آشکاری نیستم!» (احقاف/۹)

– «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ عِيسَىٰ وَ أَيُّوبَ وَ يُونُسَ وَ هَارُونَ وَ سُلَيْمَانَ وَ آتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا» ما به تو وحی فرستادیم؛ همان‌گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم و نیز به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم؛ و به داوود زبور دادیم.» (نساء/۱۶۳).

به نظر می‌رسد، با عنایت به این‌که در رابطه با اصل توحید و بعضی مسائل بنیادی، میان اسلام و دیگر شریعت‌ها اختلافات اساسی وجود دارد (هر چند همان‌گونه که بیان شد منشا اصلی این اختلافات، تحریف مضامین و محتوای شریعت‌ها توسط عالمان دینی غیرمسلمانان بوده است)، بایستی برای دستیابی به مفهوم درست و صحیح آیات بایستی به تاویل قائل شد زیرا ادعای این‌که همه ادیان علی‌رغم وجود و وقوع تحریف در تعالیم اساسی، حقیقت دارند، اعتقاد نادرستی است چراکه، حق جنس بسیط دارد و محال است همه ادیان با وجود اختلافات اساسی نسبت به اصل توحید و دیگر مسائل بنیادی، حقیقت داشته باشند و از این رو، تصدیق همه ادیان به معنی جمع نقضیان خواهد بود. به عبارت دیگر، پای‌بندی هر کس به دین و آیین خود (سوره کافرون)، بیانگر آن نیست که هیچ تفاوتی بین مذاهب و مکاتب نیست، بلکه به معنی اعتقادورزی هر فرد به دین خودش است به‌طور مساوی (طباطبایی، ۱۹۷۳، ص ۳۷۴). ناگفته نماند که پذیرش و تحمل کسانی که عقیده مخالف و متفاوت از ما دارند نباید به توهین و تحقیر کرامت انسانی بینجامد. بنابراین، الگوی رفتار ارتباطی مسالمت‌آمیز باید با کرامت و احترام به منزلت ذاتی انسان همراه باشد: «و لقد کرّمنا بنی آدم ...» (اسراء/۷۰). احترام به افرادی که دارای عقاید مخالف با مسلمانان هستند یک احترام اصیل و نامشروط است که مبنایی برای تساهل به عنوان فضیلت عدالت و مطالبه عقل است. در این الگو، تسامح بر پایه صورتی از احترام متقابل افراد استوار است که صبغه اخلاقی دارد. از مهم‌ترین پیامدهای عطف توجه به این الگوی رفتاری، به رسمیت شناختن عقاید مخالف و متفاوت است (همان‌جا). از دیدگاه اسلام، عنصر آزادی اراده و عمل و اجتناب از تمسک به اکراه و تحمیل در قبولاندن عقیده خود بر دیگران، یکی دیگر از مولفه‌های اصل تسامح به حساب می‌آید: «لا اکراه فی الدین ...» (بقره/۲۵۶).

بنابر آن‌چه گفته شد نتیجه می‌گیریم علی‌رغم این‌که اسلام دینی است جهانی، و رسالت پیام‌آور آن فراگیر است، با پیروان دیگر ادیان مواجهه‌ای مسالمت‌آمیز دارد و با اعطای آزادی اراده و عمل به آنان، برای همه انسانها کرامت و منزلت ذاتی قائل است. بنابراین، مولفه‌های اصلی تسامح از دیدگاه اسلام عبارتند از: ۱- آزادی در اراده و عمل،

^۱ برای مثال، پیروان زرتشت قائل به ثنویت هستند: خدای خیر (هورامزدا) و خدای شر (اهریمن)، یا پیروان مسیحیت به تثلیث معتقدند: اب، ابن و روح‌القدس. حال آن‌که، دین اسلام یک مکتب توحیدی است و خدای عالم را واحد می‌داند: «وَالْهَيْكَلُ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» (بقره/۱۶۳) و «لِلَّهِ نَائِلَةُ الْإِلَهَوُ الْحَى الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَ...» (البقره/۲۵۵)، «لِلَّهِ نَائِلَةُ الْإِلَهَوُ الْحَى الْقَيُّومُ» (العمران/۲) و «هُوَ الَّذِي يَصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لِنَائِلَةِ الْإِلَهَوُ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (العمران/۶)، و «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لِنَائِلَةِ الْإِلَهَوُ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (العمران/۱۸).

بررسی الگوی رفتار ارتباطی مسلمانان با دیدگاه‌های متفاوت

۲- تحمل و پذیرش عقاید مخالف و متفاوت، ۳- به رسمیت شناختن عقاید متفاوت، و ۴- احترام متقابل و ارج نهادن به منزلت انسانی.

مبانی شرعی تسامح

۱) واژه تسامح و مشتقات آن در قرآن کریم به کار نرفته، اما دو واژه «صفح» و «احسان» که به معنی ضد تعنت، تعصب، طرف و غلو است به جای تسامح استعمال شده است (شوقی، ۲۰۰۳ م، ص ۴۲):
- «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَأَعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد - که در وجود آنها ریشه دوانده - آرزو می کردند شما را بعد از ایمان، به حال کفر بازگردانند؛ با این که، حق برای آنان کاملاً روشن شده است. شما آنان را عفو کنید و گذشت نمایید تا خداوند فرمان خود را بفرستد؛ خداوند بر هر چیزی تواناست. (بقره/۱۰۹)

- «فِيمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَ لَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»، به خاطر پیمان شکنی آنان را از رحمت خویش دور ساختیم؛ و دل‌های آنان را سخت و سنگین نمودیم که سخنان را تحریف و بخشی از آن چه را به آنان گوشزد شده بود، فراموش کردند؛ و هر زمان از خیانتی از آنان آگاه می‌شوی، مگر عده کمی از آنان؛ ولی از آنان درگذر و صرف نظر کن که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد! (مائده/۱۳)

- «وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است، جز بحق نیافریدیم؛ و ساعت موعود قطعاً فرا خواهد رسید پس، از آنان به طرز شایسته‌ای صرف نظر کن! (حجر/۸۵)

- «فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَ قُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» پس از آنان روی برگردان و بگو: سلام بر شما، اما بزودی خواهند دانست! (زخرف/۸۹)

- «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُعْرِضُونَ» و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید؛ و به مردم نیک سخن بگویید؛ نماز را برپا دارید؛ و زکات بدهید. سپس همه شما جز عده کمی سرپیچی کردید؛ و (از وفای به پیمان خود) روی گردان شدید. (بقره/۸۳)

- «وَ أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» و در راه خدا، انفاق کنید! و خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد. (بقره/۱۹۵)

- «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنان به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به هدایت‌یافتگان داناتر است. (نحل/۱۲۵)

- «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» - خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید!» (نحل/۹۰)

- «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أَنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ إِلَهُنَا وَ إِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند؛ و بگویید: ما به تمام آن‌چه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده‌ایم، و معبود ما و شما یکی است، و ما در برابر او تسلیم هستیم!» (عنکبوت/۴۶)

- «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه خواهی دید همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است» (فصلت/۳۴)

تدقیق در آیات فوق به وضوح نشان می‌دهد که داشتن رفتار مسالمت‌آمیز با دیگران و تخلیق به رفتار نیکو در روابط بین‌فردی از دستورات صریح خداوند در قرآن است.

۲) دلالت لفظی اسلام. اسلام از ریشه سلم به معنای صلح، سلامتی و مسالمت آمده است (راغب، ۱۳۹۲، ۲۴۶). صلح نیز در مفهوم رفع اختلاف، آشتی و پایان دادن به خصومت استعمال شده است (رازی، ۱۴۰۴، ۹۱). بنا-یراین، اتخاذ رفتار ارتباطی تقابل در تعاملات با روح دین اسلام که در صدد ایجاد آرامش و جلوگیری از اختلافات می‌باشد، ناسازگار است. لزوم برقراری آرامش در جامعه جهانی و ضرورت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اقتضاء می‌کند تا اصل تسامح پایه اصلی روابط را تشکیل دهد (عمید زنجانی، ۱۳۴۴، ۴۲).

۳) قاعده الزام. طبق این قاعده فقهی، با عنایت به وجود جوامع چندمذهبی در عصر کنونی، برای جلوگیری از بروز هرگونه تنش میان پیروان مذاهب و برخورداری از زندگی جمعی مسالمت‌آمیز، مشروعیت اصل تسامح قابل تعریف است (جعفری، ۱۴۱۹، ۸۱).

۴) سیره عملی پیامبر (ص) نیز در تعامل بین‌فردی با دیگران بر مبنای تسامح بوده است: «و انک لعلی خلق عظیم» (قلم/۴). مواجهه‌ی پیامبر در این الگوی رفتار ارتباطی در مقام تعامل و گفتگو بر پایه چالش نیکو، بردباری خوب و صرف‌نظر کردن و در گذشتن زیبا استوار است (باقری، ۱۳۸۸، ۲۳).

بنابراین، از دیدگاه اسلام، به‌طور کلی جامعه انسانی بلحاظ کارکرد دینی به دو بخش قابل تقسیم‌بندی است: ۱-

۱. «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَعَمَّتَ اللَّهُ التَّيْبِينَ». (بقره/۲۱۳)

- «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً». (مائده/۴۸)

- «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُونَ مُخْتَلِفِينَ». (یونس/۱۹)

- «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً». (نحل: ۹۳)

- «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ عَبْدُكُمْ». (انبیاء/۹۲)

- «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ». (مؤمنون/۵۲)

- «وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً». (زخرف/۳۳)

۲. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ». (حجرات/۱۰)

بررسی الگوی رفتار ارتباطی مسلمانان با دیدگاه‌های متفاوت

عرصه سیاست خارجی، حول محور ائتلاف و اتحاد اسلامی جمع شوند^۱ و ۲-جامعه‌ای که متشکل از افراد با عقاید مختلف و متفاوت می‌باشد که در این صورت، مسلمانان ملزم هستند در تعامل با آنان بر مبنای اصل تسامح مدارا و زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند و بر اساس قاعده نفی سبیل از برقراری هرگونه تعاملی که به تسلط غیرمسلمان بر او منجر شود، دوری نمایند.

مبانی نظری تسامح

دین اسلام با تدوین الگوی رفتار ارتباطی مسالمت‌آمیز، اهداف مقدسی را مدنظر قرار داده است که مهمترین مبانی نظری آن عبارتند از:

۱- **برقراری صلح و آرامش میان پیروان ادیان.** پیشینه خانوادگی و دینی در تعیین و جهت‌دهی هویت^۲ انسان نقش محوری دارد. چگونه می‌توان انتظار داشت که یک فردی در یک خانواده مسیحی متعصب، یا در یک جامعه یهودی و یا در یک نظام دینی وابسته به دین خاص، رشد و پرورش یابد اما نسبت به باورهای دیرینه و عادت شده، بی‌اعتنا باشد و یا به دین پدران‌شان وفادار نماند، به‌ویژه در جامعه‌ای که پیروان یک دین اکثریت قریب به اتفاق را تشکیل می‌دهند، این احساس تعصب و وفاداری^۳ شدت بیشتری دارد. از تاثیرگذاری عوامل سیاسی و اقتصادی نیز در شکل‌گیری تربیت دینی و شخصیت مذهبی نباید غافل شد. قرآن علت استنکاف فرعونیان را از پذیرش شریعت موسی، پافشاری آنان به دین پدران‌شان مطرح می‌کند: « قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتْنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَ تَكُونُ لَكُمْ أَلِكِرْيَاءَ فِي الْأَرْضِ وَ مَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ » گفتند: آیا آمده‌ای که ما را از آنچه پدران‌مان را بر آن یافتیم، منصرف سازی و بزرگیو ریاست در روی زمین، از آن شما دو تن باشد؟! ما هرگز به شما ایمان نمی‌آوریم! (یونس/۷۸). هم‌چنین است مقاومت مشرکان در برابر ابراهیم (ع): « قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ » گفتند: ما پدران خود را دیدیم که آن‌ها را عبادت می‌کنند. (انبیاء/۵۳). البته این تعصب‌های جاهلانه فقط به مردم عامی اختصاص ندارد بلکه اندیشمندان بزرگی در طول تاریخ بوده‌اند که علی‌رغم نبوغ فکری و توانایی علمی، نتوانسته‌اند راه درست و دین حقیقی را دریابند. از طرفی نیز جهان‌شمولی رسالت پیامبر اقتضاء می‌کند تا حقیقت و راه راست را به همگان ابلاغ شود. در چنین فضایی، بروز نزاع و کشمکش میان طرفداران ادیان امری بدیهی است. لیکن دین اسلام به‌منظور پیش‌گیری از بروز و افزایش چنین تنش‌ها، با تشریح اصل تسامح یا همان قاعده الزام، مسلمانان را به داشتن رفتار مسالمت‌آمیز با عقاید مخالف و متفاوت فرمان می‌دهد، تا بستر را برای ایجاد صلح و گسترش آرامش مهیا نموده و از متلاشی شدن پیوند اجتماعی که میان مومنان، دیگر باوران و کافران، به عنوان اعضای یک جامعه واحد، میان آنان وجود دارد، جلوگیری بعمل آورد (همان، ص ۲۲۶).

۲- **نیل به حقیقت اصیل.** نیل به حقیقت مستلزم برخورداری از فضایی آرام و مواجهه‌ی علمی و عادلانه با تعالیم دیگر ادیان است. در شناخت حقیقت باید از مواجهه‌ی غیرمنصفانه پرهیز نمود. همان‌طور که گفته شد مراد از تسامح، تصدیق همه آراء و عقاید نیست، از طرفی نیز هدف از برقراری صلح در جامعه بر مبنای تسامح، نیل به

۱. اصل یازدهم مقرر می‌دارد: "به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و اننا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ایتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد".

۲ identity

۳ royalty

حقیقت اصیل است. حقیقت‌یابی باید توأم با استدلال و براهین منطقی باشد و به اعتلاء قوای عقلانی منجر شود، نه تعصب کورکورانه. اگرچه مخالفان دین اسلام به پاره‌ای از حقایق و تعالیم وحیانی رسول الله معترفاند، اما بسیاری از اندیشمندان، ارزش مطالعه و ترجمه قرآن را فقط در جهت رد آن می‌دانند، نه تأمل در قدمت آن (همان، ص ۴۰). این در حالی است که عصر روشنگری را مواجهه‌ی علمی و عقلانی با دین اسلام قلمداد می‌کردند و حقیقت را نیز فرآیندی از گفتمان می‌دانستند که دست‌یابی به آن بدون طرح اختلاف نظرها غیرممکن است. خداوند تعال حقایق همه ادیان را پیش از تحریف بیان می‌کند (نحل/۳۶، فاطر/۲۴، آل عمران/۱۸۴، حدید/۲۵). لیکن، قضاوت نهایی در رابطه با حقیقت اصیل بر عهده پیروان ادیان است که پس از تتبع به دنبال کامل‌ترین و جامع‌ترین شریعت باشند: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایت‌شان کرده و آنان خردمندان‌اند. (زمر/۱۸). البته نیل به حقیقت اصیل محتاج به مولفه‌های مهم دیگری هم است که مهم‌ترین آن رعایت انصاف و عدل و پرهیز از وارونه جلوه دادن حق است: «وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره/۴۲).

– **توجه به اصول و ارزش‌های دینی و انسانی مشترک.** علی‌رغم وجود اختلافات اساسی میان تعالیم ادیان، بسیاری از آموزه‌های آن‌ها با یکدیگر مشترک است. دعوت به پرستش خدا، روزه گرفتن، غلبه بر شهوت، مجازات جنایتکاران، دوری از عمل زنا، رعایت حقوق مردم، ممنوعیت سرقت و ... از مهم‌ترین آن‌هاست. علاوه بر این، اخلاق بخش مهمی از تعالیم پیامبران را به خود اختصاص داده است. پیامبر اکرم (ص) عمده‌ترین جهت‌گیری دعوت خویش را اتمام مکارم اخلاقی می‌داند (حر عاملی، ۱۹۸۴، ص ۱۷-۱۷۴، نوری طبرسی، ۱۹۸۵، ص ۱۸۷). در حقیقت، این پیام رسول اکرم (ص) بیانگر این نکته می‌باشد که دعوت به اخلاق و ارزش‌های انسانی جهان‌شمول مثل رعایت عدالت، مذمت دروغ‌گویی، مبارزه با ستم‌گری، تحسین امانت‌داری و صداقت، احساس دیگر دوستی و ... بخش عظیمی از تعالیم انبیاء بوده است. توجه به اصول و ارزش‌های مشترک میان ادیان در نیل به حقیقت اصیل راه‌گشا بوده و حداقل از ایجاد تنش‌های بی‌اساسو تبعات جبران‌ناپذیر آن جلوگیری به عمل می‌آورد. به ویژه در عصر کنونی که ظهور فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و جریان آزاد تبادل افکار در آن، نقش موثری در تهدید یا فرصت بودن تعاملات میان ادیان و تقریب آن‌ها به یکدیگر دارد، و درست به همین دلیل است که اندیشمندان بزرگ برای تقریب افکار عمومی و تحقق واحد خانواده جهانی به اصول مشترک و اخلاق تمسک می‌جویند (ایزدی فرد، ۱۳۸۶، ص ۷۲). در قرآن نیز از واحد بودن مردم سخن به میان آمده است: «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ فِيهَا مَا يَخْتَلِفُونَ» و «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً قَبَعَتْ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مِبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (یونس/۱۹، بقره/۲۱۳). اما چرا این مردم از واحد خانواده به شعبات مختلف تقسیم شدند، حکایت تلخی است که بررسی علل و عوامل آن مجال مفصل می‌طلبد. بر مبنای معرفت‌شناسی تسامح نیز،

درست و نادرست در اذهان افراد در هم تنیده است. بر همین اساس، بطلان دیدگاه‌های متفاوت بجز اندیشه خود از منظر آموزه‌های اسلام به معنی طرد بی‌محابای همه دیدگاه‌های مخالف و متفاوت نیست، زیرا در این صورت، درستی‌های عقاید آنان به همراه نادرستی‌هایشان کنار گذاشته می‌شود، در حالی که درست، در همه جا درست و پذیرفتنی است (باقری، ۱۳۸۸، ص ۲۱). در واقع، تسامح فرآیندی از اندیشه‌ورزی برای تقریب افکار و عقاید با توسل به نقاط مشترک می‌باشد که این امر نقش حیاتی در یافتن حقیقت اصیل و نیل به آن دارد.

– **جذب افراد غیرمسلمان.** دینی که وحیانی است و راه سعادت را نشان می‌دهد: "إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا" (انسان/۳) باید از جبر و خشونت: "لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ..." (بقره/۲۲۵) بدور باشد. بررسی تحقیقات نشان می‌دهد که یکی از عوامل اصلی گسترش اسلام در جهان، علاوه بر مبنای جهان-شمولی آن، تسامحی بودن آن در قبال دیدگاه‌های متفاوت است (امام و امیرپور، ۱۳۸۶، ۷). روشن است که کمک و بخشش به غیرمسلمان یک عملی است که با هدف تألیف قلوب و ایجاد دوستی صورت می‌گیرد زیرا «الإنسانُ عبيدُ الأحسان». بنابراین، جای هیچگونه تردیدی باقی نمی‌ماند که اسلام نه تنها پرهیز از ایجاد روابط و نزدیکی با آنان را ندارد، بلکه تشویق و تحریک مادی و معنوی را در این راه مبذول داشته است.

مبنای تعاملات از منظر روانشناسی

انسان برای رفع حوائج خود همیشه با هموعانش در تعامل هست. تعاملی که روابط بین‌فردی را بر مبنای تعامل سالم و منصفانه تنظیم کند و به خواسته‌های طرفین متعاملین احترام بگذارد. تعاملی که بتواند به دوام و ماندگاری روابط افراد بینجامد. دستیابی به این مهم در گرو وقوف به الگوی رفتار ارتباطی کارآمدی است که کلید زربین اعتمادآفرینی محسوب می‌شود. عبارتی دیگر، افراد زمانی به ارتباطات خود ادامه می‌دهند که نسبت به طرف مقابل اعتماد داشته باشند. نیل به این اعتماد مستلزم عطف توجه به الگوی رفتار ارتباطی سالم است چراکه شکل‌گیری رابطه پایدار و استمرار زندگی مسالمت‌آمیز به نوع مهارت‌های رفتار ارتباطی بستگی دارد. در حوزه معرفتی روانشناسی، مبنای تعاملات انسان‌ها در روابط بین‌شخصی خالی از چهار حالت زیر نیست:

- ۱) سلطه‌گری، ۲) سلطه‌پذیری، ۳) پرخاش‌گری، و ۴) قاطعیت (قربانی، ۱۳۸۴، ص ۵۷).
- سلطه‌گری. در این الگو، برقراری ارتباط با دیگران غیرصادقانه و غیرصریح بوده و احترام طرفین به یکدیگر ظاهری است. هم‌چنین کنترل فرد مقابل از دیگر مولف‌های آن به حساب می‌آید.
- سلطه‌پذیری. تنها تفاوت این اصل با اصل قبلی در این است که تعامل با فرد مقابل بر استقلال او استوار است.
- پرخاش‌گری. برقراری ارتباط صادقانه، نیمه صریح، فقدان احترام متقابل و کنترل فرد مقابل چهار مؤلفه اصلی این حالت است.

– قاطعیت. در این الگوی رفتار ارتباطی، برقراری ارتباط با دیگران صادقانه، صریح و توأم با احترام متقابل بوده و هم‌چنین بر خودمختاری فرد مقابل مبتنی می‌باشد. روابط حاکم میان طرفین در اصل قاطعیت بر پایه اصل برد-برد استوار است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰، جونز، ۱۳۸۷، ص ۱۸۳). هر یک از این مهارت‌های رفتار ارتباطی و مشخصه‌های آن در نمودار زیر بیان می‌شود:

۱. برقراری ارتباط صادقانه، ۲. صریح، ۳. توام با احترام اصیل، ۴. خودمختاری متقابل	قاطعیت
۱. برقراری ارتباط صادقانه، ۲. نیمه صریح، ۳. بدون احترام متقابل، ۴. کنترل فرد مقابل	پرخاش‌گری
۱. برقراری ارتباط غیر صادقانه، ۲. غیرصریح، ۳. توام با احترام ظاهری، ۴. کنترل فرد مقابل	سلطه‌گری
۱. برقراری ارتباط غیر صادقانه، ۲. غیرصریح، ۳. توام با احترام، ۴. خودمختاری فرد مقابل	سلطه‌پذیری

دقت و تامل در الگوهای یادشده حاکی از آن است که برقراری روابط بر مبنای اصل قاطعیت، سالم‌ترین و ماندگارترین نوع تعامل می‌باشد، زیرا افراد روابطی را سالم تلقی می‌کنند که مبتنی بر رعایت اصول اخلاقی و انسانی بوده و سود دو طرف را تضمین نماید و بر رعایت استقلال و شخصیت طرف مقابل استوار باشد (قربانی، ۱۳۷۶). افراد حقیقی و حقوقی مهارت‌های ارتباطی خود را بر اساس یکی از این الگوهای چهارگانه فوق استوار می‌سازند. لیکن افراد و یا سازمان‌هایی از تعامل سالم برخوردارند که الگوهای رفتاری ارتباطی خویش را با خود و دیگران، بر اساس رعایت حقوق خود و دیگران استوار کنند. به عبارت دیگر، سبک مهارت ارتباطی آنان با دیگران بر مبنای اصل قاطعیت مبتنی باشد (شالباغ، ۱۳۸۷) زیرا تدقیق در مولفه‌های اصل مذکور حاکی از آن است که در این نوع الگو، طرفین متعاملین از استقلال و خودمختاری برخوردار بوده و در تصمیم‌گیری خود آگاهانه و آزادانه عمل می‌کنند. بعلاوه، پایه‌های برقراری ارتباط، صادقانه بوده و عاری از هرگونه ابهام و اجمال است.

از آنجا که در تعاملات معمولاً طرفین بدنبال ایجاد روابطی هستند که حاصل از آن منتفع شوند، لذا از برقراری رابطه‌ای که بر مبنای برد- باخت و تضمین‌کننده منافع یک‌طرف باشد، احتراز می‌نمایند. از این‌رو، اهتمام به منافع طرفینی بر اساس رابطه برد- برد در توسعه و پایداری تعاملات موثر است که این مهم نیز در اصل قاطعیت تأمین می‌شود.

با توجه به توضیحات یاد شده معلوم می‌شود که دین اسلام، انسان را دارای کرامت و منزلت ذاتی دانسته و در زندگی اجتماعی، او را به اتخاذ رفتار مسالمت‌آمیز در مواجهه با عقاید مخالف و متفاوت از هر مشرب و مسلکی ملزم می‌نماید. برای نیل به هدف، انسان‌ها باید خواسته‌های همدیگر را بر اساس مهارت‌های رفتار ارتباطی اصل قاطعیت تنظیم کنند. بر این مبنای، عطف توجه و رعایت مولفه‌های چهارگانه آن در برقراری زندگی جمعی مسالمت- آمیز راه‌گشاست.

نتیجه‌گیری

مواجهه‌ی مداراگونه با دیدگاه‌های متفاوت و باطل و احترام به کرامت ذاتی آنان توام با به رسمیت شناختن عقاید آنان بر مبنای اصل تسامح از توصیه‌های جدی دین اسلام است. برخورداری از آزادی اندیشه و عمل بر اساس اصل قاطعیت امری است متقابل. همان‌طور که دین اسلام در چهارچوب قوانین شریعت به افکار و اعمال عقاید مخالف و متفاوت توام با کرامت انسانی می‌نگرد، از دیگران نیز انتظار آن را دارد که برای رفع تعارض بین ادیان و تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز زمینه‌های آزادی عمل برای مسلمانان نیز فراهم کنند. بی‌اعتنایی به این حق طبیعی، الگوی رفتار ارتباطی را به سمت سلطه‌گری، سلطه‌پذیری و یا پرخاش‌گری سوق داده و همزیستی مسالمت‌آمیز را با مخاطره جدی مواجه می‌سازد که این معضل یک تهدید جهانی در عصر جهانی شدن به حساب می‌آید. اتخاذ رفتار ارتباطی قاطعیت در تعاملات بین فردی، این تهدید جهانی را به فرصت تبدیل کرده و آرامش و

بررسی الگوی رفتار ارتباطی مسلمانان با دیدگاه‌های متفاوت

امنیت اجتماعی را در پرتو زندگی جمعی مسالمت‌آمیز به ارمغان می‌آورد. برقراری صلح و آرامش جهانی، اجتناب از تلقی غیرمسلمانان به عنوان شهروند درجه دو، و نیل به حقیقت اصیل در عصر جهانی شدن از مهم‌ترین مبانی نظری تسامح در دین اسلام است. ناگفته نماند که تائید اصل سیزدهم، چهاردهم و یکصد و پنجاه و دوم قانون اساسی (که به ترتیب در رابطه با آزادی ادیان، الزام مسلمانان به داشتن رفتار مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان و ابتناء روابط سیاست خارجی بر پرهیز اصل سلطه‌گری و سلطه‌پذیری می‌باشد)، بر مبنای تسامح و قاعده الزام، توجیه شرعی و علمی دارد. بر این اساس، بنظر می‌رسد قاعده نفی سبیل در راستای حفظ استقلال مسلمین، پرهیز از مداخله بیگانگان در امور مسلمانان، عزت‌مندی و جلوگیری از اهانت به مقدسات آن و رسیدن به خودباوری و خودکفایی تشریح شده است.

پیشنهادات

- ۱- ایجاد تعامل و توسعه ارتباطات بین ملت‌ها و دولت‌ها با تکیه بر دو اصل پرهیز از سلطه‌پذیری و سلطه‌گری
- ۲- عطف توجه به اصل ارزشمند کرامت انسانی در زندگی دسته‌جمعی
- ۳- توجه به حقوق طبیعی انسان‌ها در جوامع مختلف و پرهیز از تحمیل عقاید به دیگران به ویژه در جوامع چند مذهبی
- ۴- هم‌اندیشی نخبگان و اندیشمندان ادیان مختلف در حوزه‌های گوناگون اعتقادی و دینی در فضای سالم و به دور از رویکردهای متعصبانه جهت نیل به حقیقت راستین
- ۵- پرهیز از تحریک عواطف و اعتقادات افراد با توهین، تهمت، سخره گرفتن اعمال و کردار آنان و توسل به هرچیزی که موجب جریحه‌دار شدن احساسات دینی افراد می‌شود.
- ۶- توجه به اخلاق سیاست و اصول و ارزش‌های انسانی در روابط بین‌المللی
- ۷- نشر آموزه‌های اسلامی در رابطه با مسائل گوناگون از جمله اخلاق، تسامح و رعایت حقوق پیروان دیگر مذاهب و عقاید جهت تنویر افکار عمومی

فصل نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، علمی- پژوهشی، شماره ۵، سال ششم

منابع

قرآن کریم

- ابن منظور جمال الدین محمد. لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۹۸۳، چاپ اول
اصفهانى محمدبن جعفر. اخلاق النبى، بيروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۹، چاپ سوم
المودودى ابوالاعلی. الاسلام فى المواجهه التحديات المعاصره، کویت، دار القلم، ۲۰۰۶، چاپ پنجم
امام محمد رضا، امیرپور حیدر. اسلام و آفریقا، مجموعه مقالات همایش بین المللی بررسی روابط ایران و آفریقا، ۱۳۸۶
ایزدی فرد علی اکبر. چالش‌های نوین در بنای عقلاء با تاکید بر جهانی شدن، مقالات و بررسی‌ها، دانشگاه تهران، شماره ۸۵، ۱۳۸۶
باقری خسرو. شیوه تسامح و مبانی آن در تربیت نبوی، فصل نامه تعلیم و تربیت، ۱۳۸۸، شماره ۹۵
جعفری محمدتقی. رسایل فقهی، تهران، موسسه منشورات کرامت، ۱۴۱۹ه.ق
جونز پیتر. حقوق، ترجمه: رضا حسینی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷
حر عاملی محمد بن حسن. وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۴
سرمدی محمدرضا و شالباف عذرا. اخلاق حرفه ای در مدیریت کیفیت فراگیر، فصلنامه علمی- پژوهشی اخلاق در علوم و فناوری. سال دوم. شماره ۳ و ۴. ۱۳۸۶
شالباف عذرا. بررسی روابط فرهنگی ایران و سنگال، کنفرانس بین المللی ایران و آفریقا، ۱۳۸۶، داکار، سنگال
شالباف عذرا. حسینی سیدمحمد. امیرپور حیدر. الگوی رفتار ارتباطی ایران در عرصه بین المللی، همایش بین المللی روابط ایران و هند، دانشگاه تهران، دانشکده مطالعات جهان، ۱۳۸۷
شوقی ابوخلیل. التسامح فی الاسلام، بیروت، دار الفکر، ۲۰۰۳، چاپ اول
طباطبایی محمد حسین. تفسیر المیزان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۳
فرامرزی قراملکی احد. سازمان‌های اخلاقی در کسب و کار، تهران، مجنون، ۱۳۸۵
قربانی نیما. سبک‌ها و مهارت‌های رفتار ارتباطی، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۶
کلینی محمد بن یعقوب. الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۹۸۵
ملکات سرینواس و استیوز لزی. ارتباطات توسعه در جهان سوم، ترجمه شعبان علی بهرام‌پور، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸
نوری طبرسی حسین. مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل، قم، موسسه آل البيت، ۱۹۸۵
هرش سیولیا. عقلا نیت و تساهل در اسلام، ترجمه: الهام حسینی و فریده فرنودفر، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷، چاپ اول